

# اقتصاد



گمانه زنی‌ها در مورد کناره‌گیری بایدن از رقابت انتخاباتی پس از سفر به پکن

## کارت‌های برنده «شی» در دیدار با «بایدن»

صفحه ۷

آیا روابط تجاری تهران-ریاض گرم تر خواهد شد؟

## چشم بازار به روابط

## تجاری تهران و ریاض

سید ابراهیم رئیسی و بن سلمان روز شنبه در شرایطی با هم دیدار کردند که امیدها برای افزایش روابط تجاری ایران و عربستان، مدتها است جان تازه ای گرفته است؛ هر چند که به دلیل تحریم ها و برخی محدودیت ها در تجارت دو کشور، روند تعاملات تجاری به آرامی پیش می رود و در سال ۱۴۰۱، حجم صادرات ایران به عربستان به مبلغ ۱۵ میلیون دلار رسید که البته نسبت به سال‌های گذشته رشد چشمگیری یافته بود.

سید ابراهیم رئیسی با هدف شرکت در اجلاس اضطراری سران کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی درباره جنگ غزه، روز گذشته به عربستان سفر کرده است. او اولین رئیس جمهور ایرانی است که پس از ۱۱ سال به عربستان سفر می کند و البته این سفر، پس مذاکرات ایران و عربستان و بهبود روابط سیاسی دو کشور رخ داده است.

پیش از این، محمود احمدی نژاد در سال ۱۳۹۱ برای شرکت در نشست سازمان همکاری اسلامی درباره جنگ سوریه در این کشور حضور یافته و پس از او، حسن روحانی ملاقاتی با مقامات ارشد کشور عربستان نداشته است. اکنون رئیسی مسافر این کشور شده و در ابتدای ورود خود به ریاض، با امیر قطر یعنی شیخ تمیم بن حمد آل ثانی دیدار و گفتگو کرد.

بهبود روابط سیاسی ایران و عربستان در دولت جدید، تأییراتی بر روابط اقتصادی این دو کشور نیز گذاشته است و به اعتقاد صاحب نظران، تداوم این روند می تواند تحولی در حجم تجارت میان ایران و عربستان به وجود آورد؛ با این حال برخی معتقدند که تحولات اقتصاد دو کشور در سال‌های گذشته، یعنی دست و پنجه نرم کردن ایران با تحریم‌ها از یک سو و تلاش‌های عربستان برای صنعتی شدن از سوی دیگر می تواند شرایط تجارت این دو کشور را در آینده دستخوش تغییر کند.

شرح در صفحه ۵

سخن نخست

### نوزایی در کار آفرینی

ایجاد اشتغال همواره یکی از دغدغه های دولت ها در همه ادوار بوده و هست و کاهش آمار بیکاری یکی از آرزوهای حاکمیت است. از سویی این کار مستلزم هزینه فراوان است و در حال حاضر هزینه یا سرمایه ایجاد اشتغال دولتی و شغل ثابت به بیش از یک میلیارد تومان رسیده است. هر چند در این رهگذار عده ای وعده ایجاد شغل با یک میلیون تومان هم داده بودند که کمی فراتر از شوخی است؛ به هر روی آنچه عیان است دولت ها در تولید ایجاد اشتغال چندان موفق نبوده اند و افزایش آمار بیکاری در سال های اخیر نیز موبد این مطلب است که بخش دولتی به دلایل گسترده سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قومیتی و ... در ایجاد اشتغال پایدار موفق نبوده و نخواهد شد.

ادامه در صفحه ۲



وحید حاج سعیدی

گزارشی از حواشی یک برنامه موفق  
**پشت پرده اخراج شبانه تیم «به افق فلسطین»**

افزایش تولید روزانه ۱۸۰ هزار بشکه‌های اوپک پلاس در اکتبر  
**تولید نفت ایران افزایش یافت**

آمار سالانه مهاجرت پرستاران به ۳۰۰۰ نفر رسیده  
**مهاجرت نگران کننده کادر درمان**

گزارش تحلیلی از نشست اضطراری ریاض برای پایان بحران غزه  
**اتحاد دنیای اسلام حول پیشنهادات ایران**

**یادداشت**  
تنها مرز جغرافیایی جعلی بین ما فاصله انداخته است! این گفته برای من بسیار جالب توجه و تعجب آور بود. به نظر بیشترین مشکلی که در ایران با مهاجران افغان وجود دارد مهاجرانی هستند که داری ریشه های پشتون بوده که نسبت به اصالت و ریشه خود متصلب ترند و خواهان حفظ فرهنگ پشتونی خود در ایران می‌باشند ، در این بین دیگر مهاجران افغانستانی در ایران از سایر اقوام نیز با پشتون ها در ایران مشکل دارند و این اختلاف از سرزمین افغانستان به ایران نیز کشیده شده است . به نظر اگر طرحی در مورد ساماندهی مهاجران افغان در ایران در نظر گرفته شود مهمترین نکته ای که باید به آن توجه شود همان وابستگی این مهاجران به گروه قومی می‌باشد که به آن متعلق می‌باشند و می‌توان در مورد اقوامی به غیر از پشتون ها با تساهل و تسامح بیشتری برخورد کرد که بعضا حتی تعلق خاطر بیشتری به ایران دارند تا خود افغانستان . مسئله اختلاف بین دیگر اقوام افغان با پشتون ها در افغانستان موضوع تازه‌ای نیست و ریشه در تاریخ دارد و به نظر تا این اختلاف به صورت ریشه ای حل نگردد سرزمین افغانستان همواره درگیر نزاع و درگیری است که اثرات این آشوب و ناامنی در سرزمین ایران نیز اثرگذار است ، ریشه‌های این اختلاف چنان شدید است که برخی روشنفکران شمالی افغانستان چاره آن در دویاره شدن افغانستان و تشکیل کشور جدیدی در شمال افغانستان با حضور اقوام هزاره و تاجیک و ازبک دانسته اند و حتی نام آریانا را برای این کشور انتخاب نموده اند! ایالات شمالی افغانستان مانند بلخ ، بدخشان و تخار و ... همواره در طول تاریخ به عنوان بازوی شرقی ایران شناخته شده است و جزئی از خراسان بزرگ بوده اند و حمایت از آنان جز وظایف ذاتی ایران است و این حمایت چه به لحاظ مذهبی و چه به لحاظ تفکر ملی و ایران‌شهری بسیار حائز اهمیت و اساسی می‌باشد .

**یادداشت**  
عنوان سرزمین اقوام شناخته می‌شود که شامل چهار قوم عمده پشتون ، تاجیک ، هزاره و ازبک در کنار اقوام کوچکتر ترکمن ، بلوچ و ..... است . میدان سیاسی افغانستان حاصل شده است از درگیری بین طالبان که در حقیقت یک گروه قومی-مذهبی پشتون تبار و تمامیت خواه است دیگر اقوام این کشور و افغانستان را می‌توان محل نزاع میان قشریون جنوبی و روشنفکران شمالی دانست زیرا اکثریت سه قوم تاجیک و هزاره و ازبک ها که رویکرد معتدل تری در فرهنگ ، سیاست و زندگی روزمره دارند در شمال و مناطق مرکزی افغانستان ساکن هستند و به علاوه اقلیت بیست درصدی جمعیت شیعه در افغانستان نیز در این مناطق و به ویژه در استان هرات زندگی می‌کنند . مسئله ای که به صورت واضح برای من آشکار شده است که ساکنین شمالی افغانستان و اقوام تاجیک و هزاره و حتی ازبک همدلی بیشتری با ایران ، فرهنگ ایران و زبان فارسی دارند و این مهاجران بعد مدتی زندگی در ایران به گونه‌ای خود را با فرهنگ ایران آسیمیله ( همگون سازی فرهنگی ) می‌کنند به طوری دیگر حتی به عنوان مهاجر قابل تشخیص نیستند . علاقه این اقوام به ایران حتی قبل از مهاجرت به ایران هم قابل توجه است و بسیاری از آنان علاقه مند و متبحر در ادبیات، شعر و موسیقی فارسی هستند و بعضا بهتر از شهروندان ایرانی ، به عنوان مثال روایت‌های که از علاقه احمد شاه مسعود فرمانده افسانه ای افغانها به شعرهای حافظ بارها نقل و شنیده است و او دشمنی طالبان با اهالی پنجشیر و بدخشان در توجه به همین مسایل می‌دانست . خاطرم می‌آید که یک بار در کلاس دانشگاه درباره بدخشان و پنجشیر صحبت می‌کردم و اینکه اهالی افغانستانی این شهرها جز علاقه مند ایران هستند که با اعتراض یکی از دانشجویان افغانستانی مهاجر از این منطقه روبرو شدم که می‌گفت «ما افغانی نیستیم و ایرانی هستیم و

**یادداشت**  
از نهادهای بین المللی توسط آمریکا و اروپا برای باصطلاح دفاع از صلح بنا شده اند اما اینک برای حمایت از جنگ و جنایت مورد سوء استفاده قرار می گیرند. برای مثال در زمانی که جنایات رژیم صهیونیستی بخصوص کشتار کودکان و زنان و حمله به مدارس و بیمارستان های غزه، حتی مورد اعتراض مکرر، گوتنشر دبیرکل سازمان ملل واقع شده،آمریکا و اروپایکای اروپا بی اعتنا به موازین بین المللی از جنایات اسرائیل حمایت می کنند. صدور قطعنامه های پیشنهادی علیه رژیم صهیونیستی از سوی آمریکا وتو می شود و چند کشور غربی نسبت به آرای صد و بیست کشور در مجمع عمومی سازمان ملل برای برقراری آتش بس در فلسطین اشغالی،بی تفاوت هستند. گویا لیبرال دموکراسی پدیده ای به نام «دیکتاتوری جهانی آمریکا» را خلق کرده است. امروز جنایت اسرائیل در غزه و کرانه باختری که یادآور وحشیگری های نازیسیم و فاشیسم در جنگ جهانی دوم است، آمریکا و اروپا را در دنیای اسلام رسوا و منقور کرده است و همانگونه که سوسیالیزم و کمونیزم در شرق به زوال کشیده شدند، غزه نیز گورستان لیبرال دموکراسی خواهد شد. در این مقطع که جهان اسلام ودنیای غرب در یک چالش جدی تمدنی قرار دارند، بدون تردید افشای کاستی های نظری و زشتی های رفتاری لیبرال دموکراسی، فرصت بسیار مناسبی برای جهان اسلام و اندیشمندان دینی است که ارزش های حقوقی اسلام را به دنیا عرضه کنند. معرفی عدالت،آزادی،مردمسالاری و حقوق بشراسلامی از دید اسلام که موجب کرامت انسانی خواهد شد،می تواند موجب آشنایی مردم جهان با سیره نبوی و تعالیم قران به عنوان یک تفکر انسان ساز و عدالت گستر برای آینده جهان باشد.

**غزه، گورستان لیبرال دموکراسی**  
محسن پاک آیین  
حضرت آیت الله خامنه ای در تاریخ ۱۳۹۳/۰۵/۰۱ در دیدار دانشجویان، جمله ای درمورد لیبرال دموکراسی بیان کردند که با رویکرد امروز آمریکا و اروپا در قبال جنایات علیه مردم غزه همخوانی دارد. ایشان گفتند: «امروز منظور لیبرال‌دموکراسی - این منطق و نظام فکری که امروز کشورهای غربی بر اساس آن دارند هدایت و اداره میشوند - از کمترین ارزش اخلاقی برخوردار نیست. هیچ ارزش اخلاقی در آن وجود ندارد، احساس انسانیت در آن وجود ندارد؛ در واقع دارند خودشان را رسوا میکنند، دارند خودشان را در مقابل نگاه‌قضاوتگر امروز ملت‌های دنیا و فردای تاریخ، رسوا میکنند.» این ایام که قریب به ده سال از ایراد بیانات رهبر معظم انقلاب می‌گذرد، اکثر شاخص های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نشان از سیر نزولی لیبرال دموکراسی در جهان غرب دارد که حمایت از جنایات اخیر اسرائیل در غزه، بارزترین آنهاست. آنچه طی ماه گذشته در فلسطین گذشت نشان داد که آمریکا و کشورهای منفعت طلب اروپایی مثل انگلیس، فرانسه و آلمان که به دروغ خود را حامی حقوق انسان ها می‌دانند، شریک اصلی جنایات غیرانسانی رژیم صهیونیستی هستند و در قتل عام مردم بی دفاع غزه و کرانه باختری مشارکت فعال دارند. در واقع غزه و فلسطین به عرصه‌ی رسوائی غرب تبدیل شد و یک رخنه‌ی فرسایشی



سیدمحسن مصطفوی  
«درد ای هم زبان ، من از بدخشانم .....درد ای هم زبان ، من هم از ایرانم » غفران بدخشانی ، شاعر افغانستانی  
در دوره تحولات تکمیلی با دوستان هم دوره‌ای قراری گذاشتم که رایج به هر موضوع و رویدادی در حوزه روابط بین‌الملل و علوم سیاسی مطلب نوشته و به قول معروف همه فن حریف نباشیم و هر کس در حوزه ای با توجه به علاقه مندی و توانمندی خود به نگارش و پژوهش مشغول شود . امروز ولی در باب موضوعی مطلبی به نگارش درآوردم که در حوزه تخصصی مطالعاتی من نیست و این نوشته صرفا از حضور در محضر اساتید محترم حوزه افغانستان و شبه قاره و حضور در نشست های در این باب بوده است و به علاوه دو مورد دیگر هم باید اضافه کرد که یکی ؛ من نیز همانند اکثر مردم در ایران به صورت روزمره با این موضوع روبرو شده ام که تقریبا در هر خیابان و محله ای در شهر حداقل یک یا چند شهروند افغانستانی مشغول به کار هستند و مورد دوم تجربه برخوردهای است که با دانشجویان افغانستانی در کلاس های خود و یا دردیگر دانشگاهها و اندیشکده ها داشتم و این دیدارها و معاشرت ها معمولا بسیار صمیمانه بوده است . حاصل این تجربه ها نوشته‌ای است که به صورت کوتاه در این مقاله به رشته نگارش درآوردم ام و بیشتر مطلبی است که ممکن است بار تجربه و احساسی داشته باشد تا علمی و تخصصی . به طور کلی افغانستان به

**یادداشت**  
**چگونه یاد گرفتیم هولوکاست را باور داشته باشیم**  
حبیب احمدزاده  
بله من یقین دارم که هولوکاست بر علیه قوم موسی صورت پذیرفته ، با یقینی کامل در مقابل آنان که مطلق ردش میکنند ولی به آنان میگویم که بحث های بی مورد بود یا نبود هولوکاست در زمانه جنگ دوم جهانی را رها کنید.  
بباید همگی پذیریم که حداقل در چند هزارسال پیش تر از قرن بیستم هولوکاستی مورد پذیرش و قبول همه ادیان (حتی تایید شده در روایات و کتب مقدس دینی ما مسلمانان) واقع شده ، در همان زمانی که خوابگزاران فرعون خیر از آمدن نوزادی به نام موسی و واژگونی تاج و تخت فرعون دادند و دستور صادره این جنایتکار( در حرکتی سبعانه و پیش دستانه )که باید از امروز بی درنگ و ترجم همه نوزادان ذکور در قوم بنی اسرائیل کشته شوند تا موسایی در آینده نیاید و چنین شد که هزاران کودک بیگناه فدای این منطق آینده نگرانه شدند  
و جالبتر آنکه وقایع امروز در غزه تکرار همین منطق پیش دستانه فرعون قدیمی ست  
بیش از یک ماه از نسل کشی در غزه گذشته و بیش از ده هزار نفر غیرنظامی شامل حداقل پنج هزار کودک بیگناه کشته شده اند دولت‌مردان آمریکا و اسرائیل بی محابا میگویند که هرگز به آتش بس تن نخواهند داد چون مجبورند به این کشتار تا به آخر ادامه دهند تا آخرین نفر از افراد گروه حماس در غزه نابود شوند  
عجیب است که بنی اسرائیل شش هزار سال داستان کشتار فرزندان خود به دست فرعون را برای از بین بردن پیامبر یهود موسی به فرزندان‌شان می آموزد ولی بایدن و ناتانیاهو این فراعونه جدید با همان منطق پیش دستانه فرعون قدیمی دست به کشتار مردم غزه زده اند. ولی تاریخ خود قوم بنی اسرائیل به ما درسی می آموزد که اگر سید موسی از درون نیل به قصر فرعون رسید ، حتما فرزندان از غزه هم از درون تونل ها به آینده تاریخ برای انتقام این ددمنشی ها خواهند رسید  
و این تفاوت تاریخی که در منطق ان فرعون نابکار قدیمی ، تنها پسران تازه متولد شده ، هدف تیغ سر بری و کشتن بی ترحم سربازان بودند و اما در منطق عملا تورات نخوانده ناتانیاهو و انجیل ندیده بایدن ، این صاحبان قدرتهایی هزاران بار مخربتر به کل پسران ، دخترکان ، زنان ، مردان غیرنظامی و حتی بیماران در بیمارستان این قوم هفتاد سال در اسارت فلسطینی ذره ای رحم در کشتار نمیشود . کسی میتواند بگوید برای دولت‌مردان غرب اگر اینگونه اعمال مصداق جنایات جنگی محسوب نمیشود (حتی تهدید به بمباران اتمی توسط دولت‌مردان افراتی امروز اسرائیل هم علنا صورت گرفته ) پس دیگر چه عمل وحشیانه تری از ناتانیاهو و بایدن باید سربزند در آخرین کلام ، شک نداشته باشید همانگونه که شکافته شدن شگفت انگیز رودخانه نیل در مصر قدیم اسباب نجات موسی و مردمان مظلومش شد ، بی شک همین راهپیمایی های سراسری مردمان جهان نیز راههایی ناممکن را (در کنار این صبر اسطوره ای) برای مردم هزاران بلادیده غزه حتما باز خواهد کرد .  
و نتیجه نهایی هولوکاست ناتانیاهو برای مردمان غزه جز این نخواهد بود